

# نقاشی‌های ویروسی

## دگرگونی در نقاشی کودکان



رضا صفری

دکترای فلسفه‌ی هنر، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

بحث آموزش و هنر کودکان در این شرایط از یک طرف می‌تواند فرصتی باشد برای ظهور خلاقیت‌های تازه و از طرف دیگر می‌تواند آسیب‌هایی جدی در پی داشته‌باشد. در بحث تعلیمی، با توجه به شرایط و امکان‌سنجی آن، شاید نیازهای آموزشی کودکان تا حدودی تأمین شود، اما در این وضعیت، قطعاً از بعد تربیتی و وجهی اجتماعی دچار مشکلاتی خواهند شد. چرا که حس مطالبه‌گری و پرسش‌گری کودک کم‌فروغ‌تر خواهد شد.

اما آنچه اینجا مدنظر است، پرداختن به دگرگونی نقاشی کودکان و راه‌های درک آن‌ها برای شناخت، تربیت و جهت‌دهی بهتر نیازهای کودکان است. برای ورود به دنیای هنر کودکان، ضمن شناخت و یادگیری آداب ورود به مباحث هنری، مطالعات روان‌شناسی کودکان نیز در این حوزه لازم است. توجه علمی به عوالم کودکی و خواسته‌های کودک، پیشینه‌ای طولانی ندارد. این موضوع در آغاز هزاره‌ی سوم میلادی به‌شدت افزایش یافت. اما نگاه سطحی و غفلت از یک موضوع و دقت بیشتر به موضوع دیگر، در بسیاری موارد در عملکردهای کودک در دوران بزرگسالی نتیجه‌ی عکس داشته‌است. رفتارشناسی هنری کودکان مستلزم پژوهش‌های جدی و علمی است که متأسفانه تا به امروز کمتر به آن پرداخته شده‌است. با توجه به «جابه‌جایی پارادایم‌های» نوین، امروزه مطالبات کودکان در حوزه‌های اندیشه‌ای و هنری، مباحث و مسائل جدیدی را پیش روی پژوهشگران این عرصه گذاشته‌است.

### پرسشگری و پویایی

امروزه مطالبه و پرسشگری یکی از مسائل مهم در پویایی کودکان است که آموزگاران و والدین باید در تمامی ارکان آموزشی به آن توجه جدی کنند. ناآشنایی به این مباحث و به کار بردن روش‌های غیرعلمی و غیرهنری، نه‌تنها آموزش کودکان در این حوزه را دچار مشکل کرده، بلکه درک ناصحیح از هنر کودکان، مشکلات را دوچندان کرده‌است. امروزه اتکا به منابع ترجمه‌ای درحوزه‌ی هنر کودکان، یکی از مشکلات درک ناصحیح از نقاشی‌های کودکان و نتیجه‌ی ناکافی از تلاش‌هاست. چرا با این همه آموزش‌ها و گذراندن وقت و صرف هزینه، نتایج آن‌طور که باید، به دست نمی‌آید؟ مهم‌ترین دلایل آن را باید در این مباحث جست:

اساس وجودی موجودات بر تحول و تغییر نهاده شده‌است. انسان نیز در تمام دوران زندگی خود دستخوش تغییر است. هر تغییری مقدمه‌ی دگرگونی بعدی و نتیجه‌ی تحول قبلی است. بنابراین می‌توان گفت، ارکان پایه‌های اصلی شخصیت انسان بالغ به چگونگی دوران کودکی او بستگی دارد. اما امروزه با توجه به پیشرفت‌های حیرت‌آور در حوزه‌ی فناوری و با توجه به تغییرات الگوواره‌های هنری در سطح جامعه، تأثیر مثبت یا منفی این نوآوری‌ها برای همه‌ی انسان‌ها به‌خصوص کودکان، غیرقابل انکار است. در مراحل اولیه‌ی رشد، کودک چون آینه‌ای، هر چه را به او بتابد، منعکس می‌کند. در حال حاضر نیز شیوع ویروس کرونا بسیاری از آداب و شیوه‌های اجتماعی را در عمل دچار تغییرات اساسی و چالش‌های کاملاً نوین کرده‌است. این تغییرات بسیاری از کنش‌های فرهنگی اجتماعی را دگرگون کرده و فرایندهای انسانی را با محدودیت مواجه ساخته‌است. محدودیت‌های آموزشی یکی از این مشکلاتی است که به طرز گسترده‌ای دامان بیشتر مراکز آموزشی را گرفته‌است. رویکرد به فضای مجازی، تغییر نگاه، عوض کردن قالب‌های تکراری و پوست‌اندازی در تمامی آداب و روش‌های اجتماعی و پذیرفتن شرایط و امکانات نوین می‌تواند ابتدای راه ظهور و بروز خلاقیت‌ها باشد.

### کلیدواژه‌ها: نقاشی، کودک، کرونا، آموزش هنر کودکان



نوع نگاه به سوزدها، کاملاً با نوع نگاه و اندیشه‌ی شرقی‌ها متفاوت است. مثلاً نقاشی ایرانی در سنت جنبه‌های ظهور و بروز داشته است. وضعیت فعلی هنرمند بزرگسال متأثر از وضعیت کودکی اوست و مباحث زیادی در آن قابل طرح هستند که به ذکر چند مورد اکتفا می‌کنیم:

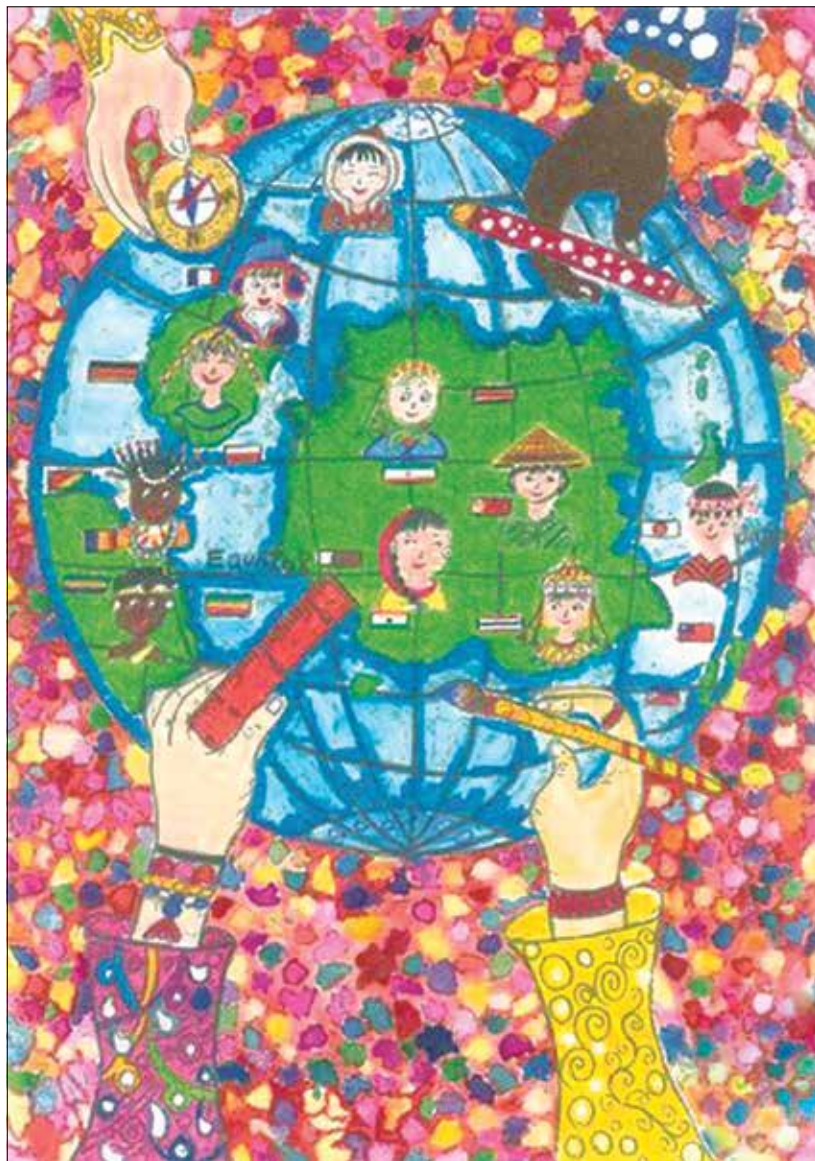
۱. جنبه‌های نظری در هنرمندان شرقی، به خصوص هنرمندان ایرانی، غلبه ندارد، بلکه نوعی بصیرت آمیخته با مهارت در نقاشی آن‌ها بروز پیدا می‌کند. بنابراین، برای کودکانی که با این نوع فرهنگ بزرگ می‌شوند، طبیعی است آن بخش‌هایی که به فرهنگ اختصاصی مربوطاند، کاملاً با سایر فرهنگ‌ها در محیط‌های دیگر مغایرند و هنر آن‌ها هم با بیان هنری نسبت به کودکان و هم‌سالان خود متفاوت خواهد بود.

۲. هنرمند ایرانی به شدت پایبند اصول و عناصر اخلاقی است. بنابراین، اخلاق و اخلاقی‌گرایی از ضروریات هنر ایرانی و آمیخته به نیکویی است. ۳. توانایی با سعی و تلاش همراه است. در سنت هنری ایران، توانایی همیشه با سعی و تلاش بوده است. توانایی همراه با سعی و تلاش یکی از مقوله‌هایی است که در آموزه‌های اسلامی هم به آن بسیار تأکید شده است. در آموزش هنری کودکان، تأکید به سعی و جدیت باید یکی از ارکان اصلی آموزش‌های هنری در مدرسه و سایر حوزه‌های آموزشی باشد.

۴. فضیلت، نکویی، خداباوری و رسیدن به بالاترین کمالات، هدفی است که هر هنرمند متعهد برای رسیدن به آن تلاش می‌کند. کمال‌جویی و سعادت‌خواهی یکی از گرایش‌های فطرسی و ذاتی هر انسانی است، اما این نوع هدف‌گذاری آمیخته با اعتقادات ایرانی و اسلامی، غایت بیان هنری هنرمندان ایرانی است که از پایه باید به آن توجه کرد.

### دوران آسیب

بنابراین آموزگاران درمی‌یابند، رویه‌های آموزش و درک هنری کودکان باید در اهداف بلندمدت پیش‌بینی شوند تا نتایج آن در دوره‌های بعد قابل لمس باشند. در این دوران پر از استرس، به خاطر شیوع ویروس کرونا، آسیب‌پذیری فرهنگی و بیان هنری کودکان شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرند. این مسائل بیشتر در دوران پساکرونا به ظهور خواهند رسید. با حضور والدین و اطرافیان و توجه جدی آن‌ها



۳. شناخت ناکافی از حوزه‌ی اندیشه‌ای دنیای شرق و غرب. چون هنر، بر حسب ملت‌ها و تمدن‌ها، وجوه متعدد دارد.

اساساً منابع آموزش ترجمه‌ای، فارغ از محیط و جغرافیا، با فرهنگ خاص هر سرزمین پژوهش می‌شوند و داده‌های استنادی آن‌ها با داده‌های فرهنگی کودکانی که گاهی از آن پژوهش‌ها بهره‌مند می‌شوند، متفاوت است. بنابراین، پیاده‌سازی این نوع تفکر یا به تعبیری بومی‌سازی آن، باید اول امکان‌سنجی شود و بعد انجام بگیرد. حوزه‌ی اندیشه‌ای غرب، به لحاظ

۱. به خاطر درک ناصحیح از دنیای کودکان و نیز استفاده از منابع مربوط به گذشته‌های دور. طبیعی است امروزه ذائقه و نیازهای انسانی و به تبع آن بیان هنری کودکان نیز دگرگون شده‌اند.

۲. استفاده از منابع ترجمه‌ای و نتایج تحقیقات غیربومی و نامتناسب با فرهنگ‌ها و محیط‌های کشور ما. پیچیدن یک نسخه برای کودکانی در یک رده‌ی سنی، اما با فرهنگ‌های متفاوت، نه تنها نتایج دلخواه را نخواهد داشت، بلکه مشکلاتی را هم در این مسیر به وجود خواهد آورد.

(پرسپکتیو) پایبند نیستند. یعنی نقاشی‌های خود را مسطح و دوبعدی می‌کشند. گاهی در نسبت بعضی از اشیا مبالغه هم می‌کنند. به‌عنوان مثال، کودکان در نقاشی‌های خود بیشتر به لباس اهمیت می‌دهند تا به مدل آن. برای کودک تفاوتی ندارد که نقاشی را از چه زاویه و حدودی می‌بینند. یعنی دوری و نزدیکی اشیا برای کودک معنا ندارد. البته کودکان دوری یا نزدیکی اشیا و نیز تأکید بر اهمیت آن‌ها را با بزرگ کشیدن و نزدیک به موضوع اصلی خودشان نشان می‌دهند. پایبندی به واقع‌گرایی در دنیای کودکان چندان وجود ندارد.

عموماً دگرگونی نقاشی کودکان در این موارد اتفاق می‌افتد:

۱. سطح: کودکان در اجرای نقاشی، همه‌جا را مسطح می‌بینند.
۲. تلخیص: کودکان اشیا بی را گزینش می‌کنند که برای آن‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار باشند.
۳. اجتماع اماکن: کودک در نقاشی‌های خود مکان‌های متفاوت را در صفحه می‌گنجانند.
۴. تجمع زمان‌های متفاوت: کودک در نقاشی‌های خود زمان‌های متفاوت را با هم جمع می‌کند.
۵. دگرگونی: کودک آنچه را از واقعیت‌های بیرونی می‌بیند، تغییر می‌دهد، جابه‌جا و بر حسب تخیل خود متحول می‌کند.
۶. نماد: کودک برای بیان زبان هنری خود به نمادها و سمبل‌های ساخته و پرداخته‌ی ذهن خودش پناه می‌برد.
۷. شفافیّت: کودک در بازتاب عناصر بصری در نقاشی‌های خود محدودیت‌ها و موانع را کنار می‌زند و اشیا و پدیده‌ها را بدون مانع نشان می‌دهد. مثلاً اگر بین دو شیء دیوار یا مانعی وجود داشته باشد، کودک خود را بر آن اشیا متمرکز می‌کند و به مانع اهمیت نمی‌دهد. مرحله‌ی آیینگی کودک یکی از مراحل است که در آن سن، کودک خود را در بطن و متن ماجراها و نقاشی‌هایش می‌بیند. گرچه هنر کودک از درک زمان، مکان، کادربندی، بعد و هارمونی رنگ‌ها برخوردار نیست، ولی شأن هنر کودک را نباید از هنر بزرگسالان نازل‌تر دانست! یعنی هنر کودکان نباید با معیارهای بزرگسالان سنجیده و قضاوت شود.

#### پی‌نوشت

1. Paradigm shift

#### منبع

۱. کودک و نقاشی. ترجمه‌ی حسین سیدی. انتشارات برگ. ۱۳۸۶.



نقاشی کودکان وجود دارند که گرچه نقش آن‌ها پررنگ است، ولی این نقش در بررسی‌ها کمتر لحاظ می‌شود. این عوامل، همچنان که اشاره شد، عبارت‌اند از محیط و فرهنگی جغرافیایی که کودک در آن زندگی می‌کند. معمولاً کودکان در بازتاب عینی از محیط پیرامون خود عناصر بصری آن را تحریف می‌کنند. این تحریف به معنای نقص کار نیست، بلکه از نظر تکمیل و تکوین است. کودکان تصویرها و پدیده‌های عیان خود را با داشته‌های ذهنی و درونی خود که خداوند در آن‌ها به ودیعه گذاشته، درهم می‌آمیزند و آنچه را در ضمیر خود دارند، به‌عنوان شاخص‌های عینی بازتاب می‌دهند. به‌عنوان مثال، چنانچه کودک بخواهد بنفش را روی کاغذ رنگ کند، ممکن است زرد را بکشد و آن را بنفش بنامد. بنابراین، دگرگونی نقاشی در کودکان ذاتی است. کودکان واقعیات بیرونی را نه آن‌طور که هستند، بلکه آن‌طور که می‌خواهند و در ذهن خود تصور می‌کنند، به‌تصویر می‌کشند. «هربرت رید» می‌گوید: تحریف، دوری از ابعاد منظم هندسی است. کودکان این تحریف را به‌گونه‌ای ابتکاری و غیرآگاهانه انجام می‌دهند. از طرف دیگر، کودکان در بیان هنری خود و روش‌های کاربردی آن معمولاً به خلاقیت خود متکی هستند. آن‌ها روش‌های بزرگسالان را در این مورد کنار می‌گذارند و کار خود را انجام می‌دهند. در واقع آن‌ها به قواعد و علم مناظر و مرایا

به هنر و رفتار کودک، به‌ویژه رفتار عاطفی و اجتماعی او، استعدادهای آن‌ها تکیه می‌یابد. در حال حاضر، به دلیل شرایط خاص اجتماعی و شیوع ویروس کرونا، کودکان بیشتر در منزل به سر می‌برند و با والدین خود بیشتر در ارتباط هستند. والدین باید ضمن مراقبت از رفتار خود در مقابل کودکان، دگرگونی رفتاری و بیان هنری کودکان را با احتیاط و به دور از هر نوع قضاوت‌های عجولانه و با دیدی منطقی رصد کنند. پس رفتارشناسی هنری کودکان از اهمیت و اولویت ویژه‌ای برخوردار است.

مهم‌ترین راه شناسایی و مشاهده‌ی رفتار کودکان، بررسی و شناخت شیوه‌های بیان نیازها و درک مفاهیم آن‌هاست. این مفاهیم و احساسات از روی نقاشی‌های آن‌ها تا حدود زیادی قابل درک هستند. تکرار نقاشی‌های کودک، تجربه‌هایی را در او سبب می‌شود و او را به مرحله‌ای از پختگی در بیان خود می‌رساند. باید دقت داشت، در عرصه‌ی نقاشی، از نظر کودک، بیش از آنکه نتیجه و محصول کار جالب باشد، اجرا اهمیت دارد. در واقع، احساس کودک بر این است که کار مربوط و مختص خودش است و تجربه‌های خاص خودش را می‌خواهد، نه تجربه‌ی دیگران را. یعنی دیکته کردن و واداشتن او به تقلید، یکی از راه‌های کم‌فروغ کردن مسیر بروز خلاقیت کودکان است. در این میان عوامل دیگری هم در بیان هنری